



هنرهای تجسمی

# طرح و اجرای نقش درکاشی کاری ایران

محمود ماهرالنقش

واحد که همانا قبله بود دست به نیایش بردارند و پرستش خدای یگانه را به جای آورند.

معماران ایرانی که در کار خود موزون بودن و تناسب را رعایت می‌کردند، پیوسته در فکر آن بودند که در آثار خود بهتر زیستن را برای مردمان به ارمغان بیاورند.

معماران ایرانی با تفاوت‌هایی که در آب هوای چهار گوشه کشور وجود داشت آشنا بودند و کار خود را به فراخور آب و هوا بنا می‌نهادند و میزان سردی و گرمی ساختمان‌های بیلاقی، شهری، کویری و دیگر بناهایی را که مربوط به زندگی همشهری‌های آنها می‌شد، محاسبه می‌نمودند؛ که نمونه‌هایی از این بناها را می‌توان در گوشه و کنار کشور دید.

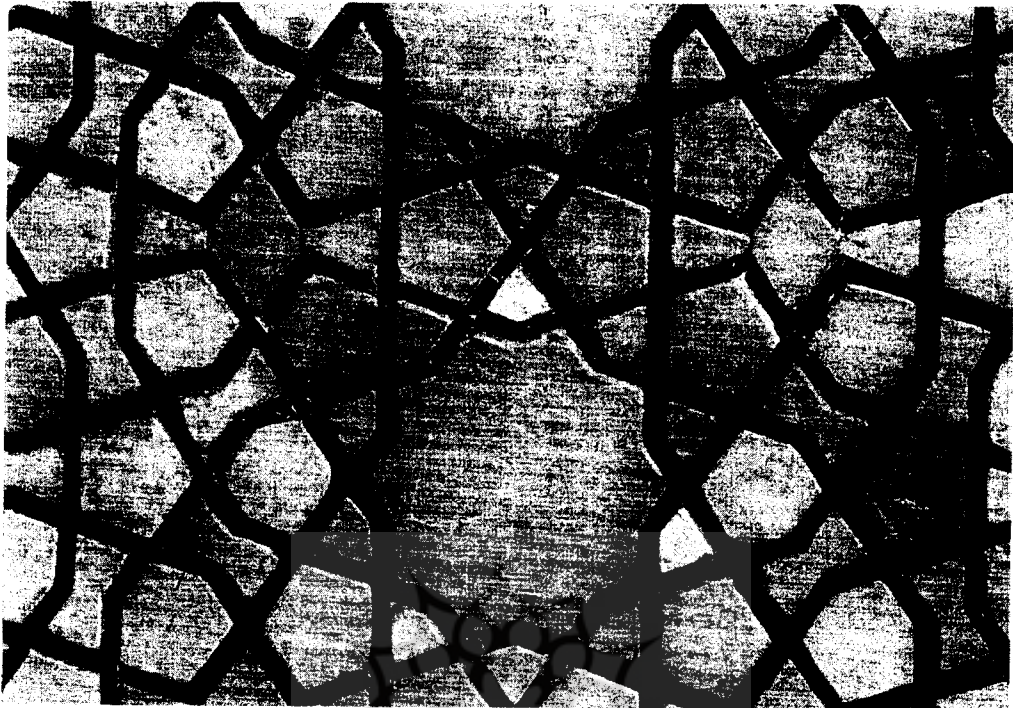
معماران ایرانی طول، عرض، ارتفاع، نور، گرما، سرما، جنوب و شمال هر بنا را که مربوط به یک ساختمان نو بود در نظر گرفته و سپس بنا را پایه‌گذاری می‌کردند. پیوندهای ساختمانی و ارتباط بین بناها از تفکر معماران جدا نمی‌شد و تمامی این حرکات از دید باستان‌شناسان دور نمانده و جای تأمل و تفکر دارد. مطالعه بر روی بناهای قدیمی و حتی کاروانسراها که برای زندگی موقت کاروان‌ها ساخته شده بود نشانگر گفته‌های بالاست، با اینکه ایران دارای کویری پهناور است و گل و گیاهی در آن روییده نمی‌شود ولی هنرمندان با الهام از رنگ گل‌ها توانسته‌اند این رنگ‌ها را در ساختمان‌های مورد نظر به کار برند.

تفکر در روح و جسم آدمی همیشه رو به افزایش بوده همان‌طور که از اول خلقت، بشر توانسته روز به روز به پیشرفت‌هایی دست یابد و برای دیگر مردمان سودمند باشد. این پیشرفت نشئت گرفته از همه چیز خلقت است که انسان‌ها با دیده تیزبین خود توانسته‌اند رشد درختان و سر برآوردن کوه‌ها و پهناور شدن دریاها را ببینند و از آن نتیجه بگیرند که این رشد در انسان‌ها هم باید باشد.

تاریخ معماری ایران در گذشته دارای ویژگی‌هایی با اصالت هنری خود بوده که می‌توان گفت گذشته‌ای پر افتخار را پشت سر نهاده و هنرمندان ایرانی بر خود می‌بالند که در دنیایی سیر می‌کنند که هر گوشه آن، هنر، سیر تکاملی خود را پیموده و ادامه کار را برای آیندگان باز گذاشته است.

با شکست دولت ساسانیان در سال ۳۱ ه. ق و فرار آنها به چین و تسلط اعراب بر ایران و گسترش دین محمدی (ص) به اقصی نقاط کشور، مردم این سرزمین از دین تازه، استقبال گرمی نمودند و هنرمندان نیز با قبول دین جدید به نقطه تازه‌ای رسیدند که می‌باید ادامه راه جدید را بهتر از گذشته بیمابند و دین خود را ادا نمایند.

رهروان دین به تبعیت از پیامبر (ص) که فرموده بود نماز را به جماعت و در محل‌هایی به نام مسجد به پای دارند، بر آن شدند تا در هر محله مسجدی بنا کنند تا بتوانند در کنار هم، یک دل و یک زبان به یک سوی



انسان‌ها بر آن شدند که برای نیایش، به دست‌سازهای خود یعنی همان زیگورات‌ها پناه برند و یا به درون غارهایی که در دل کوه‌ها به وجود آمده بود بروند و زیبایی‌های طبیعت را ببینند و با الهام از دره‌ها و پستی‌ها و بلندی‌ها و گیاهان رنگارنگ، زیبایی بیافرینند.

در نیمه هزاره سوم در بین‌النهرین پیشرفتی شگرف پدید آمد و از تجمع مردم، شهرهایی به وجود آمد که خبر از تمدنی تازه می‌داد. این تجمع‌ها و جابجایی‌ها به شهرنشینی منجر، و سرچشمه ترقی شد. این شهرها از نظر وسعت و جمعیت نیاز به قوانینی داشت و از نظر مشاغل نیز تلاش بیشتری را طلب می‌کرد تا داد و ستد بیشتری انجام پذیرد و این حرکت‌ها اقتصاد را سبب شد و رابطه‌ها فرهنگ میان افراد جامعه را خواستار بود، در کنار حرکت‌های جدیدی که بین مردم رواج می‌یافت هنر نیز آرام آرام جای خود را باز می‌نمود و مردم در پی بهتر زیستن و بهتر دیدن بودند.

انسان‌ها پیوسته شاهد آند هر چیزی که از زمین سر برمی‌آورد رو به آسمان حرکت می‌کند و تا آنجا که می‌تواند سر بلند می‌ایستد و قامت خود را در برابر پروردگار نمایان می‌سازد و گویی خدا را ستایش می‌کند. تاریخ، گویای این مدعا است که از زمان سومری‌ها بناهای بلندی ساخته می‌شد تا هر چه بیشتر به آسمان نزدیک‌تر شوند و گویی خدا را بهتر ستایش می‌کردند، معبد چغازنبیل نیز از آن جمله است، آنها می‌کوشیدند تا در جایگاهی بلند دست به نیایش بردارند و تا جایی که ممکن است از زمین فاصله بگیرند و به آسمان‌ها نزدیک‌تر شوند و با نیروی آسمانی پیوندی جاودانه داشته باشند.

کوه‌های سر به فلک کشیده همیشه استوار ماندند تا برف و باران را در دل خود جای دهند و مایه حیات دوباره زمین باشند و انسان را از برکات الهی به فیض برسانند و گل و گیاهانی را به دشت و دمن بارور سازند و هنرمندان را بهره‌رسانند.

نقطه نظرهای مختلفی در دید انسان‌ها به وجود آمد و آیین و کیش‌های مختلفی را پایه‌گذاری کرد و هر کدام را نیتی بود که ادیان مختلف را طرح‌ریزی نمود.

پیروان هر کیش برای نیایش به مکان‌هایی مقدس نیاز داشتند که در این مکان‌ها معماری با نیایش در هم آمیخته شد و حس زیباپرستی و زیباسازی به رقابت نشست، بدین طریق علم و مذهب با نیاز درونی انسان به زیور طبع نیرو بخشید و پیشرفت شگرفی را به وجود آورد، بناهایی در خور عبادت، بنا گردید و هنرمندان از ادیان مختلف برای عبادتگاه‌های خود دست به کار شدند و تزییناتی را طرح‌ریزی کردند. زمان می‌گذشت و هنرمندان یکی پس از دیگری به کار خود ادامه می‌دادند.

معمار ایرانی همیشه پای‌بند نیازمندی‌های خود بوده و عرف و عادت را برای صاحبان آن حفظ کرده، به طوریکه استفاده‌کنندگان توانستند نیازها، سنت‌ها و عادت‌های دیرینه خود را در این بناها باز یابند و به راحتی زیست کنند.

حرکت در یک بنا، اندازه اطاق‌ها، راه‌روها، ایوان‌ها و دیگر ملزومات یک بنا توانسته جوابگوی صاحبان آن باشد.

گفتیم معمار و هنرمند ایرانی موزون بودن و تناسب را رعایت می‌کرد و دین تازه با قوانینی که در برداشت، می‌بایست در مساجد رعایت می‌شد. در اسلام مجسمه‌سازی، تصویرسازی از انسان و حیوان در محل نمازگزار منع شده بود، هنرمند ایرانی از مصالحی که در اختیار داشت نهایت بهره‌برداری را نمود. آجر با سابقه تاریخی خود در خدمت معماران و هنرمندان ایرانی قرار گرفت و بناهای مذهبی با آجر نمائگی شد. مسجدها در وسعت نفوذپذیری اسلام شروع شده بود و اولین مسجدی که ساخته شد در مدینه طیبه و به دستور پیامبر اکرم (ص) بود که محوطه‌ای را با خشت خام دیوار کشیدند و پوششی بر

بالای آن نهادند تا مسلمانان در موقع انجام فریاض دینی از گرمای آفتاب و باران‌های موسمی محفوظ بمانند.

مسجد دیگری که می‌توان از آن نام برد، مسجدی بود که عمرو عاص در مصر بنا کرد، محوطه داخلی آن مربع شکل بود ولی این عمارت از نظر گنبد با مساجدی که در ایران ساخته شده بود تفاوت کلی داشت. به‌طور کلی در مساجد ایران می‌توان دنباله معماری ساسانیان را مشاهده کرد. به هر حال آیین و مذهب اسلام سبب پیدایش این‌گونه آثار گردید.

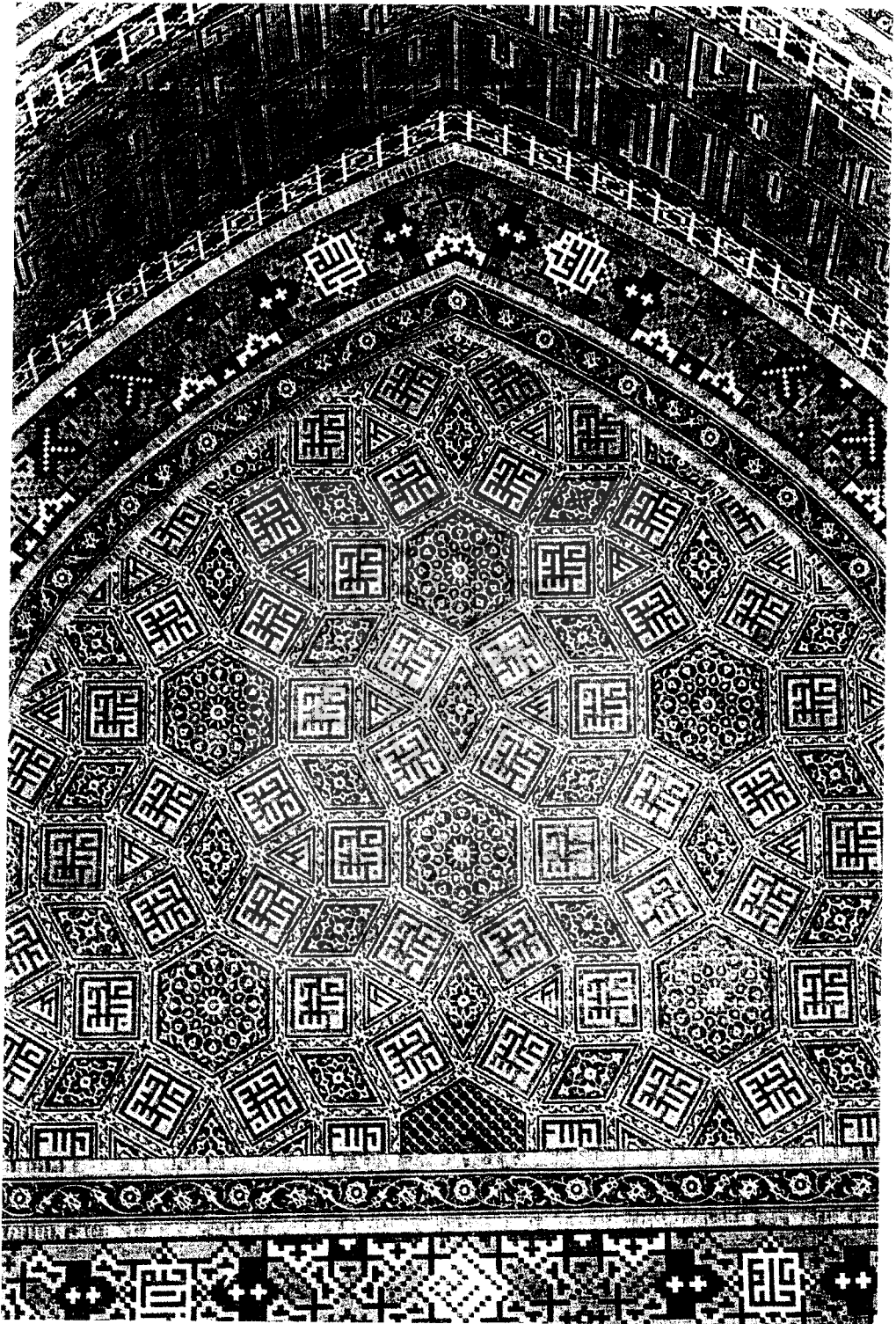
در اسپانیا و آفریقا مساجدی بنا گردید که می‌توان گفت تقلیدی از مساجد مکه معظمه و مدینه منوره بودند.

به گفته گذار جهانگرد و تاریخ‌نویس معروف از قرن اول تا قرن سوم ه. ق در شهرهای شوشتر، اصفهان، اردستان، زواره، دماوند و بسیاری از شهرهای دیگر ایران مساجدی با یک شبستان ستون‌دار و رواق‌هایی که اطراف مسجد بود، ساخته شد که به مرور ایام، ویران شد و از قرن چهارم به بعد مساجد یک و چهار ایوانی جای مساجد قبلی را گرفت.

پوشانیدن سطوح بناها و زینت بخشیدن به سطح نماها در دوره سلجوقیان مورد توجه قرار گرفت. در این دوره آجر سطح داخلی و خارجی بنا را می‌پوشانید و کمال اهمیت را پیدا کرد، که نمونه‌هایی از آن را در مسجد جامع اصفهان می‌توان مشاهده نمود.

آجر نه تنها سطوح صاف و مسطح را می‌پوشانید، بلکه با تراش دادن، قابل انعطاف می‌شد و بر سطوح مناره‌هایی که مدور ساخته شده بودند کشیده می‌شد و آنها را زیبا می‌ساخت.

اواخر قرن ششم بود که کاشی‌های چند وجهی داخل آجرکاری‌ها قرار گرفت و این کاشی‌ها از چهار رنگ تشکیل شده بود و به این ترتیب اطراف یک متن را آجرکاری می‌کردند و به تعداد تقسیمات معین





کاشی‌های چند وجهی را داخل آن جاسازی می‌نمودند. این صنعت، جدید بود و هنرمندان بر آن شدند که رنگ‌هایی به آن اضافه کنند. در دوره تیموریان فن کاشی‌سازی بهتر از گذشته نمایان شد و به بالاترین وجه تکاملی خود رسید که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مسجد گوهرشاد مشهد، گور امیر و مسجد کبود تبریز مشاهده کرد که این کاشی‌ها بعد از گذشت زمان هنوز جلوه خود را حفظ کرده‌اند. تجدید هنر اسلامی در دوره سلجوقیان و مغول مورد توجه قرار گرفت و ساختن ابنیه‌های مذهبی رو به تزاید گذاشت. مسجد جامع اصفهان در سال ۴۸۱ به دست نظام‌الملک و بعد از آن زمان به دست مغولان وسعت گرفت و به عنوان یکی از مهم‌ترین مساجد فن سفالگری، با ذوقی که هنرمندان در خود سراغ داشتند بالا گرفت و با الهام از هنرهای دیگر مانند خوش‌نویسی، نقاشی و دیگر هنرها بر روی کاشی با لعاب طرح‌ریزی شد و فن کاشی‌سازی گسترش پیدا کرد تسلط مغولان بر ایران و روابط هنرمندان چینی، هندی و ایرانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر هنر داشت و صنعت‌گران با ارتباط‌هایی که داشتند مبادله هنری می‌کردند و این مبادله تأثیر فوق‌العاده‌ای در معماری ایران بر جای گذاشت. مهم‌ترین اثر معماری این دوران که زیان‌زد جهانیان می‌باشد، مقبره سلطان محمد خدابنده (گنبد سلطانیه) در زنجان است.

در این دوره برای پیشبرد هنر، هولاکو خان مغول تعدادی از هنرمندان چینی را به ایران دعوت کرد و از هم فکری ایرانیان و چینی‌ها کاشی‌کاری ایران رونق گرفت. هنرمندان، زمان را پشت سر می‌گذاشتند و هر روز به فکر نوآوری‌های تازه بودند. هنر سینه به سینه و دست به دست، به نسل‌های بعد انتقال پیدا می‌کرد و تازه‌هایی به آن افزوده می‌شد و حکومت‌ها بی در پی عوض می‌شدند. صنایع مستظرفه احیا شد و جمعی از هنرمندان سرگرم ساختن و پرداختن بودند. هنرمندان، با

ذوق و جدیت شبانه روز کار کردند و به نوآوری‌هایی دست یافتند.

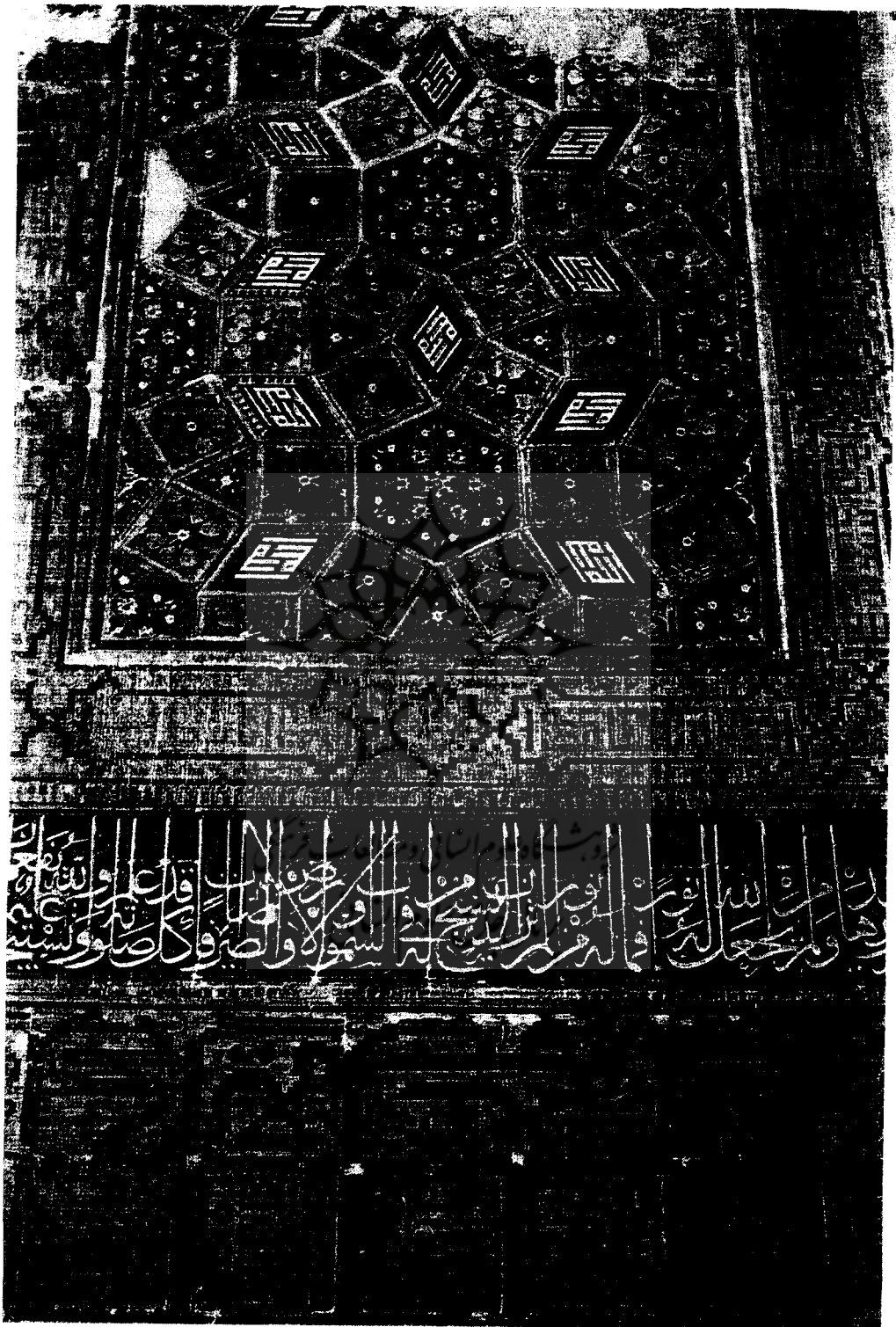
زمان صفویه و حکومت شاه عباس فرارسید لعاب به‌طور وفور بر روی کاشی رفت و دوره شکوفایی در کاشی‌کاری و احیای همه هنرها فرا رسید. هنرمندان برای ساختن کاشی و تراش آن، طرحی نو درآوردند و چند نوع کاشی ساختند. که مهم‌ترین آنها کاشی گلی و کاشی جسمی بود که هر کدام به نوبه خود به کار گرفته می‌شد.

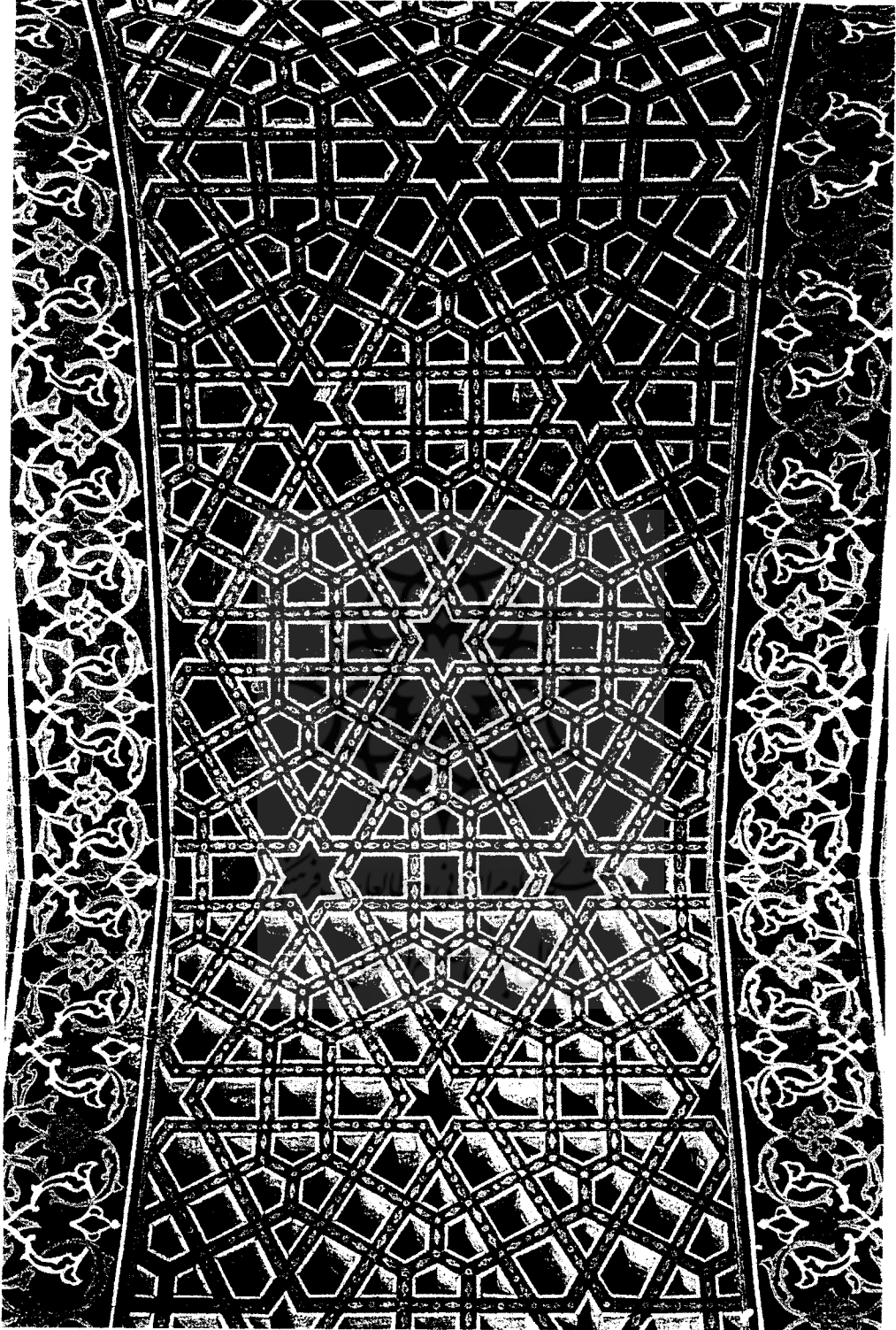
کاشی‌کاری در زمان صفویه انشعاباتی گرفت و از حالت چند وجهی که بین آن‌ها به کار می‌بردند خارج شد. انشعابات آن عبارت بود از کاشی هفت رنگ، کاشی معرق، گره‌کشی، اسلیمی، خطایی، معقلی و خط بنایی که هر کدام از این انشعابات برای خود قواعدی را در برداشت و هنر کاشی‌کاری در این زمان به اوج خود رسید و همه هنرمندان بر آن شدند که بهتر ساختن را در انحصار خود داشته باشند و شاید بتوان گفت رقابتی سخت در بین هنرمندان کاشی‌کار در گرفت.

و نیز یادآور می‌شویم که وطن اصلی کاشی، ایران بوده است. صنعتگران مبتکر دوره هخامنشی خالق این هنر بودند و در دوره اسکندر، پراکندگی در امر کاشی‌سازی به وجود آمد؛ ولی در زمان هولاکو خان سیکی نو طرح‌ریزی شد و به سمت کمال رفت.

هنر کاشی‌کاری در طول عمر خود بسیار متحول شد، گاهی به حالت رکود درآمد و زمانی در اوج قرار گرفت. زمانی که هنرمندان از حامیان خوبی برخوردار بودند به ذوق می‌آمدند و هنر را به اوج می‌رساندند و در زمان رکود - که در تاریخ کاشی‌کاری فراوان یافت می‌شود - هنرمند ذوق و انگیزه کار نداشت چنانچه بعد از دوران صفویه به سکون فوق‌العاده برمی‌خوریم و حتی کاشی‌کاری سیر نزولی خود را طی می‌کند.

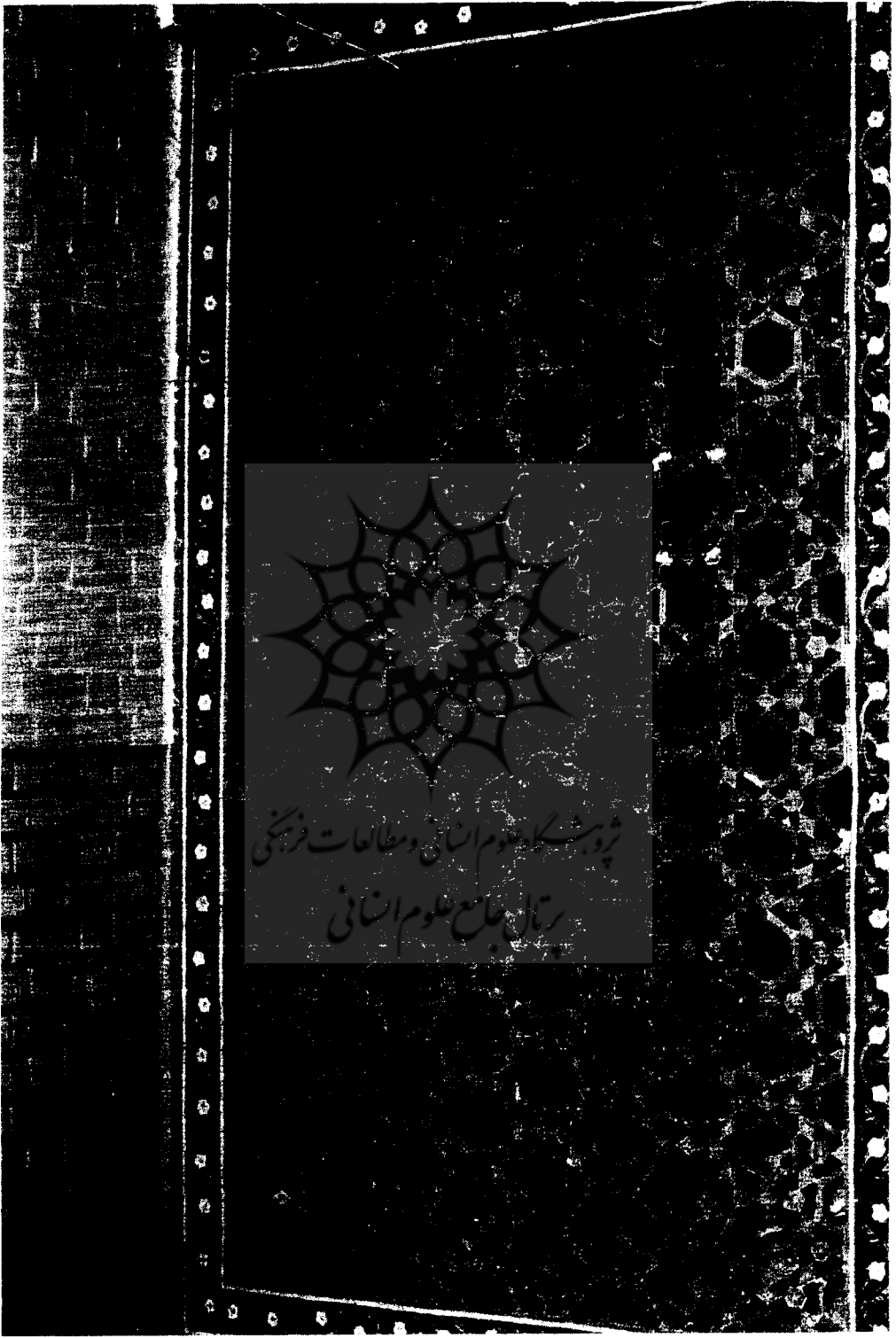
استادان فن بنا به موقعیت زمانی به خاطر بی‌علاقگی که گریبانگیر آنها شده بود از آفرینش هنر

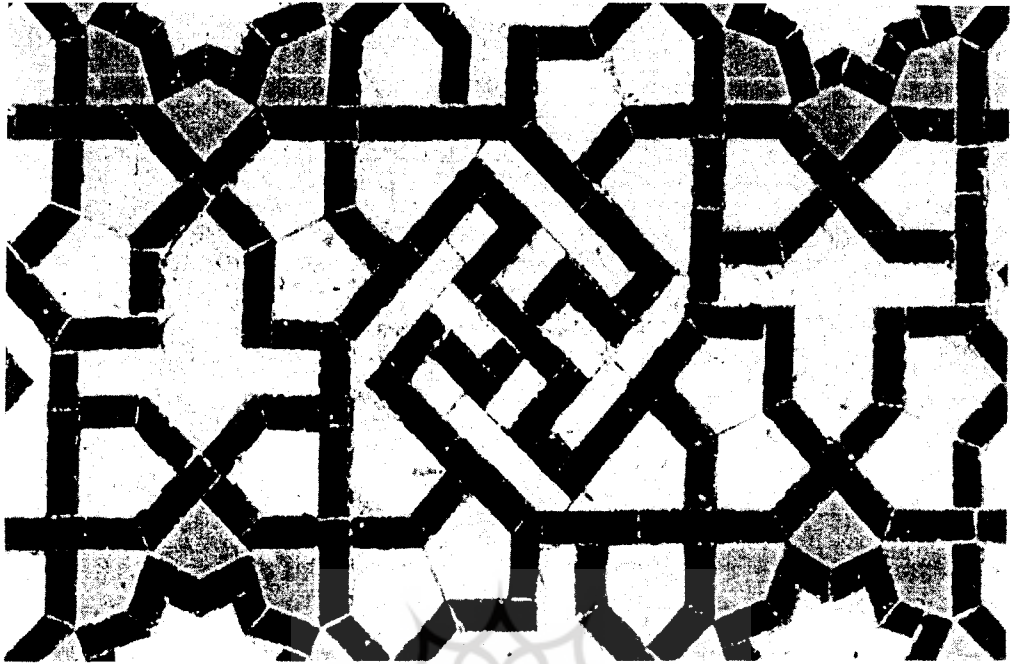




سقف مسجد مطهر امام رضا (ع)







هنرمندان را سر ذوق آورد و نوآوری‌هایی پدید آمد. جنگ جهانی دوم دوباره شالوده هنری و هنرمندان را از هم پاشید و برای مدتی کار به تعویق افتاد ولی جهان، با تکنولوژی جدید و برقراری داد و ستد و جا به جایی هنرمندان به زودی متحول شد و دوران رکود به سر رسید و هنر کاشی‌کاری هم در کنار دیگر هنرها که با ذوق هنرمندان همراه بود به نمایش گذاشته شد.

در خاتمه باید گفت در تمام دوره‌ها ذوق هنر دوستان پشتیبان هنرمندان بوده و روابط بین کشورها متضمن تبادل فکری و هنری در این جهت می‌باشد و اثر به سزایی نیز داشته است.

بازمانده بودند و از کسب و کار آن‌طور که باید و شاید خبری نبود و هنر، خریداری نداشت. در این دوره به ندرت کار کاشی‌کاری خوب انجام می‌شد و از کارهای انجام شده، دو نمونه قابل ذکر است: یکی در محراب مسجد سید اصفهان و دیگری صحن اتابکی قم. زمان می‌گذشت و هنرمندان کاشی‌کار به خود آمدند و کاشی‌های تصویری دوره قاجاریه را رقم زدند.

تغییر حکومت‌ها تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روند هنر می‌گذاشت و در اواخر دوره قاجاریه و با تغییر حکومت به مشروطه و دگرگونی‌هایی که انجام گرفت اثر جا به جایی‌ها نمایان شد، با اینکه استادان کم و بیش از بین رفته بودند ولی هنرمندان مسن و شاگردانی که به وسیله آنها تربیت شده بودند کار مرمت بعضی اماکن را شروع کردند. حوالی سال ۱۳۱۳ شمسی تعمیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله انجام گرفت، موزه ایران باستان ساخته شد و آثار هنری پراکنده در این موزه جمع‌آوری گردید.

رونق کسب و کار و پیشرفت اقتصادی، دوباره